

## غزالی و آثار وی در مراکز علمی و دینی کردستان

شهباز محسنی

(کارشناس ارشد در ادبیات فارسی و ادیان و عرفان)

چکیده:

مقاله حاضر گزارشی است در معرفی نسخه‌ای خطی از احیاء علوم الدین که به وسیله کاتبی فرهیخته و خوش خط به نام اسمعیل مراغی در ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) استنساخ و تصحیح شده است. کاتب، آن را به بوداق سلطان حاکم وقت مکریان (که ساوجبلاغ مرکز آن ناحیه بوده) اهدا کرده است. این نسخه نفیس چونان هزاران جلد کتاب پرارزش دیگر از کشورمان به غارت رفته است و توسط غارتگران فرهنگی به آن سوی مرزها برده شده است و هم‌اکنون در کتابخانه ملی قاهره است.

این گفتار سعی در معرفی جایگاه آثار غزالی در حوزه‌های دینی و دانشمندان کردستان به عنوان بخشی از مجموعه بزرگ اسلام و ایران دارد.

کلید واژه:

۱- تخریب: از اصطلاحات علم حدیث؛ تحقیق درباره نشانی و مشخصات حدیث در امتهات احادیث.

۲- ساوجبلاغ یا ساوجبلاخ: نام قدیمی شهر مهاباد است که در زمان پهلوی اول، نام آن به مهاباد تغییر یافت. ساوجبلاغ به معنی چشمه سرد و خنک است و مهاباد نام پیامبری ایرانی است.

بی شک غزالی و آثار وی را اهل مطالعه و تحقیق می‌شناسند و دست کم همه ما با شخصیت این متفکر بزرگ و اهمیت کارهایش آشنا هستیم. غزالی بیش و پیش از هر چیز نمونه و مجسمه کامل تحقیق و تلاش و پویش فکری است. همه خواننده‌ایم و شنیده‌ایم که وی در آغاز همچون طالبان علم عهد خویش به فراگیری دانش‌های دینی و فلسفی رو آورد و نزد بزرگانی چون امام‌الحرمین جوینی به تلمذ پرداخت. بعدها آوازه علمی‌اش چنان منتشر شد که وقتی به سال ۴۸۰ ه. به بغداد رفت مدرسی نظامیه به وی تفویض شد.<sup>۱</sup> پس از مدتی نه‌چندان زیاد تغییراتی در احوال و افکارش رخ داد که طی آن به یافته‌های اکتسابی و حصولی پیشین خود شک کرد و از نظامیه گریخت که کتاب «المنقذ من الضلال»<sup>۲</sup> بیانگر این ماجرای مهم روحی و فکری اوست.<sup>۳</sup>

غزالی اندیشمند عاقبت‌سوزی است که هرگز از بیان اندیشه‌هایش که با مجاهدات و ریاضات فکری و روحی بدان دست می‌یافت بیم و پروا نداشت و آرام و قرار نمی‌شناخت، به طوری که اگر قوس زندگی وی را با تکیه بر فحوای آثارش بخواهیم نشان دهیم فراز و فرودهایی می‌بینیم که نشان‌دهنده توفندگی و جوش و خروش اوست:

موج‌های تیز دریا‌های روح هست صدچندان که بُد توفان نوح<sup>۴</sup>  
از این روست که غزالی «مقاصد الفلاسفه»<sup>۵</sup> با غزالی «تهافت الفلاسفه»<sup>۶</sup> و یا غزالی

۱. غزالی نامه ص ۱۱۹

۲. این کتاب چند بار به فارسی ترجمه شده از جمله تحت عنوان «اعترافات» توسط زین‌الدین کیایی‌نژاد (مؤسسه عطایی ۱۳۴۹) و توسط صادق‌آیینه‌وند تحت عنوان «شک و شناخت» (امیرکبیر ۱۳۶۰).

۳. غزالی نامه ص ۱۲۴. ۴. مثنوی دفتر ۴

۵. تحت عنوان «خود آموز حکمت مشاء» به وسیله شادروان محمد خزاییلی ترجمه گشته. (امیرکبیر ۱۳۳۸)

«احیاءالعلوم»<sup>۷</sup> با غزالی «الجامالعوام»<sup>۸</sup> یکسان نیست. مهم‌ترین و حجیم‌ترین کتاب غزالی احیاءعلوم‌الدین است در چهار بخش: عبادات، عادات، منجیات و مهملکات که وی به زبان عربی نگاشت. این کتاب سترگ در دنیای پس از غزالی بسیار تأثیرگذار بوده‌است و از دیرباز در غالب مراکز علمی و دینی تمامی عالم اسلامی و از جمله مناطق کردنشین درخور اهمیت و عنایت و توجه ویژه بوده‌است.

افراد فراوانی بوده‌اند که به ترجمه و تلخیص احیاءعلوم‌الدین پرداخته‌اند که از جمله آنان فقیهی کردزبان به نام شرف‌الدین ابن‌منعه اربلی (متوفای ۶۲۲ هـ) بوده که دوبار احیاءعلوم‌الدین غزالی را تحت عنوان‌های «کبیر» و «صغیر» خلاصه و بازنویسی کرده‌است.<sup>۹</sup> احمدغزالی (متوفای ۵۲۰ هـ)، برادر کهنتر غزالی، نیز آن را در یک جلد به نام «لباب‌الاحیاء» تلخیص نمود.<sup>۱۰</sup> و نخستین بار خود ابوحامد غزالی بود که احیاءالعلوم را زیر عنوان «کیمیای سعادت» به فارسی ترجمه و تلخیص نمود. افراد دیگری هم چنین کرده‌اند.<sup>۱۱</sup>

علاوه بر این، یکی از دانشمندان بزرگ کردستان به نام علامه زین‌الدین عبدالرحیم بن حسین عراقی اهل اربیل (متوفای ۸۰۶ هـ) اخبار و احادیث به‌کاررفته در احیاءعلوم‌الدین را تخریج نموده‌است. وی با تکیه بر اصولی که در علم‌الحديث وجود دارد احادیث به‌کار رفته در متن و مباحث گوناگون احیاء را نقد و بررسی کرده و نشان داده که آن دانشمند بزرگ یعنی غزالی اگرچه در معارف دینی و الهی نظریاتی ژرف و عمیق دارد لیکن حدیث‌دان زبده‌ای نبوده چراکه از احادیث و اخبار

۶. توسط علی اصغر حلبی به فارسی برگردانده شده. (زوار ۱۳۶۳)

۷. توسط دارالکتب‌العربی در بیروت (۱۹۸۵) منتشر گشته.

۸. «الجامالعوام من علم‌الکلام» که گویا آخرین اثر غزالی است و شانزده روز پیش از مرگش نگاشته به تصحیح

محمدالمعتصم بالله البغدادی. ۹. وفيات‌الاعیان، ابن‌خلکان.

۱۰. وفيات‌الاعیان، ابن‌خلکان.

۱۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مقدمه شادروان حسین خدیو جم بر ربع منجیات احیاءعلوم‌الدین ص ۱۶.

ضعیف فراوان بهره جسته است و از این رهگذر این محدث یعنی امام اربلی خدمت پرارزشی به خوانندگان آثار غزالی از لحاظ نقد آن کرده به طوری که امروز معتبرترین چاپ احیاء علوم الدین چاپی است که مزین به پاورقی‌های نقدگونه امام اربلی است.<sup>۱</sup>

گفتنی است احیاء علوم الدین در سال ۶۲۰ هـ به دست مؤیدالدین خوارزمی (یعنی ۱۱۵ سال پس از درگذشت غزالی) به فارسی ترجمه شد و در ایران نیز محقق کوشا شادروان حسین خدیوچم با استفاده از نسخه‌های متعدد ترجمه خوارزمی برای تصحیح این اثر گران سنگ پانزده سال صرف وقت کرد و بالاخره به چاپ رساند. یکی از نسخه‌هایی که مورد استفاده شادروان خدیوچم بوده (از میان چهارده نسخه که طی سفر به چندین کشور فراهم آورده بود) نسخه‌ای است در دو جلد شامل ربعهای مهلکات و منجیات که مصحح با عنوان «نسخه نفیس قاهره» از آن نام برده و می‌گوید: متعلق به دارالکتب القومیة قاهره است. این نسخه نفیس در زمان «بوداق سلطان» در مهاباد که آن زمان ساوجبلاغ نامیده می‌شد کتابت شده. خدیوچم در صفحه ۸۰۳ جلد دوم احیاء تصویری از صفحه آخر این نسخه خطی آورده که بنا به فحوای آن، کاتب اسماعیل مراغی نام دارد و خدا را سپاس می‌گوید که توفیق یافته تا ترجمه فارسی احیاء علوم الدین را کتابت کند که تصویر آن در ذیل می‌آید. در این مؤخره کاتب این نسخه را به امیر ساوجبلاغ مگری یعنی بداغ سلطان هدیه کرده و برایش آرزوی خیر کرده است.

بوداق سلطان یکی از امیران خاندان ساوجبلاغ مگری بوده و بنا به نوشته مؤلف «تاریخ مشاهیرکرد» وی نخستین میر مگری است که ساوجبلاغ را به صورت شهر درآورد و آنجا را مرکز مگریان کردستان قرارداد. پل و مسجد بزرگ سور هم از آثار نیک اوست که در سال ۱۰۸۹ هـ بنا کرد. زمان حکومت وی مقارن است با سلطنت شاه سلیمان صفوی و بداغ سلطان بسیار مورد توجه و احترام سلطان صفوی بوده و نزد مردم منطقه نیز به سبب خدمات و آثار نیکش محبوبیت زیاد داشته

۱. احیاء علوم الدین، الامام ابی حامد الغزالی، تصحیح شیخ عبدالعزیز عزالدین السیروان، دارالقلم بیروت.

و هم‌اکنون آرامگاهش در مهاباد زیارتگاه است.<sup>۱</sup>

و اما در ذیل عین عبارات پایانی نسخه خطی را که به زبان عربی است می‌آورم:

«والله ولی التوفیق، تمّ ربع المنجیات من ترجمه الكتاب احیاء علوم الدین بعون الله و لطفه و حسن توفیقه و وافق الفراغ منه فی يوم الأربعاء الواحد و العشرون من شهر صفر المظفر عام تسع و ثمانین و ألف من الهجرة النبویة المصطفویة علیه و علی آله افضل الصلوات و أكمل التحیات علی ید أقلّ عبیدالله و أحوجهم الی عفوه و مغفرته و رحمته اسمعیل المراغی غفر الله له و لوالدیه و لمن دعا له بالمغفرة و لمن قرأ فیہ و لمن نظر الیه و لجميع المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات الأحياء منهم و الأموات انک قریب مجیب الدعوات آمین یا رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد آله و صحبه و سلم تسليماً دائماً أبداً الی يوم الدين.

الحمد لله علی اتمامه و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله قد واقف الفراغ عن تحریر کتابته و مقابله مع اصله و ترجمته و تصحیح سقیمه بحسب اطلاع الذهن الفاتر علیه، فی القصبه الطیبیه المساه بساوج بلاخ کردستان صانها الله تعالی عن الافات علی ید الفقیر الراجی عفوره الباری اسمعیل ابن ملبخشی المراغی للامیر المکرم اعلی الله شأنه بوداق سلطان ابن شیرخان المکری جعل الله یومه خیراً من امسه جعل هذا الكتاب وسیلة لزیادة دولته و نجاه له عن هفواته بمحمد و آله و اصحابه و حامداً و شاكر الله و مصلياً و مسلماً علی رسوله و آله الطیبین و الطاهرین.»

- که با توجه به این مؤخره، اسماعیل مراغی از نوشتن کتاب احیاء علوم الدین در چهارشنبه بیست و یکم ماه صفر سال ۱۰۸۹ هـ. فراغت یافته و علاوه بر کتابت آن، نسخه یا نسخه‌های دیگری هم در اختیار داشته که با آنها مقابله می‌کرده و غلطهای مندرج در آن را تصحیح می‌کرده و این اهمیت کار این کاتب فرهیخته را دوچندان می‌کند.

مرحوم حسین خدیوچم در صفحه چهارده جلد اول احیاء علوم الدین می‌نویسد:

«اما نسخه خطی ربعهای سوم و چهارم یعنی نیمه دوم این ترجمه در کتابخانه ملی قاهره به نام دارالکتب القومیه بر جای مانده است که خوشبختانه پانزده سال پیش (۱۳۴۹ خورشیدی) به هنگام

سفر به کشور مصر توانستم از آن میکروفیلم تهیه کنم و هم اکنون فیلم و عکس آن در کتابخانه شخصی خودم موجود است. از فیض نسخه موجود در قاهره بود که برایم مسلم شد این کتاب از روزگار غزالی تا این تاریخ تنها یک بار به فارسی ترجمه شده و مترجمش مؤیدالدین محمد خوارزمی بوده که به سال ۶۲۰ هـ. در دهلی به فرمان شمس الدین ایلتمش، پادشاه فارسی دان هند و حمایت وزیر دانشمند وی، ابوسعید محمد جنیدی کار خود را با کفایت آغاز کرده و با پیروزی شایسته ستایش به انجام رسانیده است.

خدوچم می افزاید: نسخه های دوربع مهلکات و منجیات متعلق به کتابخانه ملی قاهره است و از لحاظ نفاست و امانت برای من منحصر و یگانه.»

و اما از شرح حال و بیوگرافی کاتب یاد شده یعنی اسماعیل مراغی هنوز بیش از این اطلاعی در

دست نیست.



عکس آخرین صفحه از نسخه خطی قاهره که نام مترجم در آن تصریح شده

### منابع و مأخذ:

- ۱- احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، علمی فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۲- احیاء علوم الدین، الامام ابی حامد الغزالی، تصحیح شیخ عبدالعزیز عزالدین السیروان، دارالعلم، بیروت.
- ۳- تاریخ مشاهیر کرد (جلد سوم)، بابا مردوخ روحانی (شیوا)، سروش، ۱۳۷۱.
- ۴- غزالی نامه، استاد جلال الدین همایی، نشر هما و فروغی، ۱۳۶۸.
- ۵- مثنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، تصحیح نیکلسون، افست مولی.
- ۶- وفیات الاعیان و ابناء الزمان، ابن خلکان، به اشراف عباس احسان، دارصادر، بیروت.